

تأثیر هوش هیجانی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم

گلثوم امید

آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان

چکیده

هوش هیجانی و جنبه های جذاب و گسترده آن در دهه های اخیر علاوه بر روان شناسان و روان پزشکان، توجه عموم را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه های خودکارآمدی در رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت بر انگیزش پیشرفت دانش آموزان انجام شد. طرح این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. به این منظور ۶۲ نفر از دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان میرجاوه به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند و به مقیاسهای خودکارآمدی عمومی شررهوش هیجانی شان، خلاقیت عابدی و انگیزش پیشرفت هرمنس پاسخ دادند جهت تجزیه و تحلیل داده ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که بین هوش هیجانی و خلاقیت با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و هم چنین رابطه معناداری بین هوش هیجانی و خلاقیت با انگیزش پیشرفت از طریق میانجی گری خودکارآمدی به دست آمد. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان از برازندگی مدل مفروض تحقیق داشت. با توجه به یافته ها می توان گفت که خودکارآمدی نقش واسطه ای در رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با انگیزش پیشرفت دارد بر این اساس با در نظر گرفتن متغیرهایی چون نقش هوش هیجانی، خلاقیت خودکارآمدی می توان میزان انگیزش پیشرفت دانش آموزان را ارتقاء بخشید.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، خلاقیت، انگیزش پیشرفت

مقدمه

زندگی تحصیلی یکی از مهمترین ابعاد زندگی فردی است که بر سایر ابعاد زندگی تأثیر فراوان دارد. از این رو در سالهای اخیر محققان روانشناسی تربیتی مطالعات زیادی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و متغیرهای مربوط به آن انجام داده اند که در این میان عقاید خودکارآمدی به عنوان متغیری مهم و محوری بیان میشود (البرزی و سیف ۱۳۸۲؛ حجازی و نقش ۱۳۸۶؛ نریمانی و وحیدی، ۱۳۹۲) مفهوم خودکارآمدی در یک چارچوب نظری وسیع تری به نام نظریه شناختی اجتماعی قرار دارد که بنیان گذار آن بندورا است. وی معتقد بود که عقاید خودکارآمدی، عقاید فرد درباره توانایی انجام فعالیتهای و تکالیف و مداومت او در رویارویی با مشکلات است؛ و بر پایه این نظریه پیشرفت انسان به تعامل رفتار شخصی، عوامل شخصی (مانند تفکرات، باورها و شرایط محیطی وابسته است (بندورا، ۱۹۷۷). افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند، شکستشان را به تلاش پایین نسبت می دهند تا توانایی کم، در مقابل افرادی که خودکارآمدی پایینی دارند شکستشان را به توانایی پایین نسبت میدهند (ریگی، ۱۴۰۱). در این چارچوب ارتباطی خودکارآمدی فرد نقش مهمی را به عهده دارد؛ زیرا انتخاب کار کسب مهارت و صرف وقت و کوشش در یادگیری مؤثرند و ضامن استمرار آن هستند (بندورا، ۱۹۷۷). احساس خودکارآمدی افراد را قادر میکند تا با استفاده از مهارت ها در برخورد با موانع کارهای فوق العاده ای انجام دهند. هم چنین خودکارآمدی روی انتخاب فعالیتهای، همچنین تلاش صرف شده استقامت و پایداری در انجام تکلیف و دستاوردهای تکلیف، تأثیر می گذارد و جزء عواملی است که در عملکرد تحصیلی نقش زیادی دارد (کانیوشیمی، ۱۹۹۲؛ به نقل از زینلی پور، زارعی و زندی نیا، ۱۳۸۸) خودکارآمدی منجر به درک احساسات و اداره حالات و تنشها و قابلیت های درونی افراد می شود که منجر به باور شخص به توانایی خود و درک عواطف دیگران و متقابلاً فراخواندن حمایت های افراد و احساس مجموعه این عوامل در افراد هوش شناختی نامیده میشود تحقیقات نشان داده اند که کارآمدی بیشتر میشود (گلمن، ۲۰۰۱) هوش شناختی بالا در پیشرفت دانش آموزان مؤثر است؛ اما همیشه همین طور نیست بنابراین شاید با توجه به این موضوع بتوان درک کرد که چرا تعدادی از دانش آموزان با وجود هوش شناختی بالا در کارهای خود شکست می خورند و برعکس تعدادی از دانش آموزان با بهره هوشی پائین تر در تلاشهای خود موفق می شوند؟ (کاهیا اوغلو، ۲۰۱۳) هوش هیجانی یکی از مفاهیمی است که به این سؤال پاسخ می دهد

به کارگیری مفهوم هوش اجتماعی برای اولین بار به دهه ۱۹۴۰ باز می گردد. پس از آن مایر و سالووی، اصطلاح هوش هیجانی را توصیف کردند. گاردنر با مدل تأثیر گذار خود به نام «هوش چندگانه» نقش عمده ای در شکل گیری نظریه هوش هیجانی داشت. بر اساس نظریه هوش چندگانه گاردنر، دو نوع عمده هوش وجود دارد: اول هوش و آگاهی درونی فرد که اجازه شناسایی و افتراق احساسات پیچیده انسان را می دهد و دوم دانش و آگاهی در روابط بین فردی که توانایی شناخت و تمایز عواطف و انگیزه های

دیگران را به وجود می آورد. سرانجام دانیل گلمن در پر فروش ترین کتاب سال ۱۹۹۵ به نام هوش هیجانی، این مفهوم را به صورت گسترده بیان کرده و به آگاهی عموم رساند.

بسیاری از والدین و پژوهشگران در سراسر دنیا با افزایش مشکلات رفتاری و هیجانی از اعتماد بنفس پایین تا اضطراب و افسردگی در کودکان و دانش آموزان و جوانان، آموزش مهارت های لازم در زمینه هوش هیجانی به کودکان و نوجوانان را ضروری می دانند. این مهارت ها منجر به افزایش انطباق و احتمال بیشتر موفقیت حتی در موقعیت های با عوامل خطر آفرین جدی خواهد شد.

گرچه عملکرد خوب در زمینه هوش هیجانی می تواند پیش بینی کننده موفقیت و پیشرفت فرد باشد، هوش هیجانی را نمی توان مقیاس سنجش موفقیت دانست. پژوهش ها نشان داده است که هوش هیجانی بیشتر از هوشبهر، پیشگویی کننده ی موفقیت فرد در زندگی است، افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایا تر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. گرچه انسان به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجانات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می تواند موجب افزایش توانایی ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند شود.

محیط خانواده اولین محل برای آموزش مهارت های هیجانی است، این آموزش با گفتار و رفتار مستقیم والدین با کودکان و همچنین با الگوبرداری فرزندان از مهارت های هیجانی پدر و مادر صورت می گیرد. این آموزش موجب می شود کودکان در شناخت احساسات خود و ابراز این هیجانات به صورتی مناسب، یافتن روش هایی برای آرام کردن خود و کنترل احساسات ناخوشایند، همچنین توانایی درک احساسات دیگران و همدلی با آنان موفقتر باشند. برای این آموزش، والدین و باید از کفایت و هوش هیجانی لازم برخوردار باشند.

با اینکه فرصت حیاتی برای شکل گیری هوش هیجانی در سال های اول زندگی است، این توانایی به صورتی محدودتر در تمام طول عمر ادامه می یابد. براساس تجربیات اولیه دوران کودکی، یک فرد می آموزد که به دیگران اطمینان کند و در دنیای پیرامون خود احساس امنیت نماید یا دیگران را غیر قابل اعتماد دانسته و همواره با بدبینی به محیط اطراف خود بنگرد.

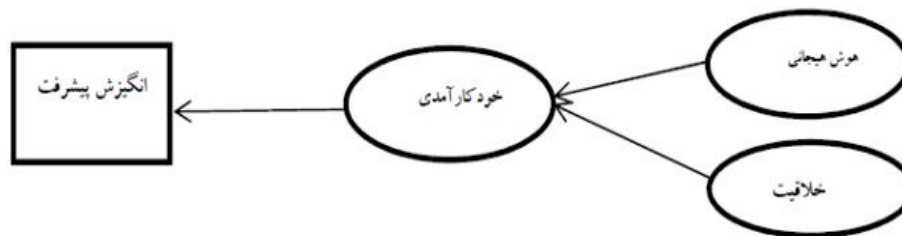
هوش هیجانی دارای مزایای اجتماعی، شناختی و زیست شناسی می باشد. پژوهش ها نشان داده اند که افراد با هوش هیجانی بالا، سطوح پایین تری از هورمون های استرس و دیگر نشانگرهای برانگیختگی هیجانی را دارا هستند. کودکان با کفایت هیجانی بهتر توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل و استفاده از مهارت حل مساله دارند که موجب افزایش توانایی های شناختی آنان خواهد شد. (سلطانی فر، ۱۳۸۶)

خلاقیت به عنوان عامل دیگری در این پژوهش که میتواند پیش بینی کننده خود کار آمدی باشد، مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا هدف آموزش و پرورش باید پرورش انسانهایی باشد که با مغزی خلاق با مشکلات روبه رو شده و به حل آن پردازند از منظر تورنس خلاقیت حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خلاهای موجود در دانش بشری، حدس زدن و تشکیل فرضیه هایی درباره این، کمبودها ارزشیابی و آزمایش حدسها و فرضیه ها، اصلاح احتمالی و آزمون مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری است (هی کیم (۲۰۱۱) گلیفورد (۱۹۶۷)؛ به نقل از استرنبرگ، ۲۰۱۲) هم معتقد است خلاقیت یکی از جنبه های اصلی تفکر است. از

نظر وی تفکر عبارت از فرآیند بازآرایی یا تغییر اطلاعات و تمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت است؛ به عبارت دیگر، فعالیتهای جهت دار ذهن برای حل مسأله همان خلاقیت است. افراد خلاق تفکر واگرا دارند افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران فرق دارند و از عرف و عادت دور میشوند و روشهای خلاق و جدید را به کار میبرند (ریگی، ۱۴۰۱)

خلاقیت با خودکارآمدی

بنابراین طبق این تحقیقات می توان گفت، باور به خودکارآمدی نقش مهمی در رشد انگیزش درونی دارد؛ بنابراین، بسیاری از یافته های پژوهشی خاطر نشان می سازند که هوش هیجانی و خلاقیت سهم مهمی در انگیزش پیشرفت دانش آموزان دارند، لکن کمتر به بررسی نقش میانجی خودکارآمدی و همچنین مجموعه متغیرهای مذکور به صورت یک مجموعه در هم تنیده پرداخته شده است. همچنین، از آنجا که یادگیرندگان دارای سطوح متفاوت خودکارآمدی هستند و این تفاوت ها بر یادگیری، انگیزش و پیشرفت تحصیلی تأثیر گذار است لازم است معلمان از چگونگی آنها آگاه باشند تا یادگیرندگان را در استفاده بهینه کمک کنند پژوهش حاضر در راستای آشکار ساختن ماهیت و محتوای خود کارآمدی برای عوامل آموزشی اعم از خانواده معلمان و دانش آموزان است که زمینه ارائه راهکارهایی در جهت افزایش و پرورش این باور مهم در دانش آموختگان از سوی پژوهشگران را فراهم می سازد لذا محققان در پژوهش حاضر به ارائه مدلی پرداختند که رابطه بین هوش هیجانی خلاقیت و انگیزش پیشرفت را با واسطه گری خودکارآمدی نشان می دهد. با این تفاسیر مسأله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا رابطه ای بین هوش هیجانی و خلاقیت با انگیزش پیشرفت با نقش واسطه ای خود کار آمدی برقرار است؟



شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل یابی معادله های ساختاری بود در مدل تحلیلی پژوهش، هوش هیجانی و خلاقیت متغیر مستقل خودکارآمدی متغیر میانجی

و انگیزش پیشرفت متغیر وابسته بودند جامعه نمونه و روش نمونه گیری جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پایه ششم شهر میرجاوه هستند که جمعاً ۷۷۰ نفر بودند که جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با توجه به جامعه آماری و بر اساس جدول مورگان ۶۲ نفر در نظر گرفته شد که کفایت حجم نمونه بر اساس توان آماری بالاتر از ۰.۸ و سطح معناداری نزدیک به صفر در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده ها مورد تأیید قرار گرفت روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای بود نمونه مورد مطالعه به این صورت انتخاب شد که ابتدا از میان تمام مدارس دخترانه مقطع ابتدایی دوره دوم شهر میرجاوه (۸) مدرسه، یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و از این مدرسه ۲ کلاس پایه ششم نیز به صورت تصادفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند در این مطالعه برای جمع آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد.

پرسشنامه هوش هیجانی شاتاین

مقیاس توسط شات و مألوف در سال ۱۹۹۸ براساس مدل نظری هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) و به منظور سنجش هوش هیجانی نوجوانان ساخته شده است. این مقیاس شامل ۳۳ آیتم است و پیوستار پاسخ بر روی طیف پنج درجه ای لیکرت از کاملاً نا درست نمره (۱) تا کاملاً درست نمره (۵) قرار دارد. پترایدز و فارنهام (۲۰۰۱) مقیاس را بر روی نمونه ای از دانشجویان بررسی کردند و نتیجه گرفتند که این مقیاس عامل واحدی را اندازه نمی گیرد بلکه چند بعدی است که در برگیرنده عوامل خوش بینی/تنظیم هیجان ارزیابی از هیجانات مهارتهای اجتماعی و کاربرد هیجانات است. تعدادی از عبارات در بیش از یک زیر مقیاس یا عامل مشاهده می شود که نمره گذاری این عبارات باید در هر دو زیر مقیاس انجام گیرد. شات و مألوف (۱۹۹۸) ضریب پایایی برای ۳۴ گویه را برابر با ۰.۹۰ و ضریب روایی را از طریق روش باز آزمون معادل ۰.۷۳ گزارش داده اند در پژوهش حاضر اعتبار آن به روش تحلیل عامل تأییدی مورد تأیید قرار دادند. مقدار شاخص kmo برابر ۰/۷۳ و همچنین مقدار شاخص عددی در آزمون کرویت بارتلت برابر ۱۰۷۹/۵۱۵ بود که در سطح ۰.۰۰۱ معنادار بود که نشانگر کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای تحلیل عاملی است نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ماده ها روی عاملهای مربوط به خود بار معنادار داشته اند و همه ضرایب مسیر الگوهای عاملی از لحاظ آماری معنی دارند به بیان دیگر، همگی بارهای عاملی بالای ۰/۳۰ ($p < 0/30$) بودند. در مجموع، نتایج تحلیل عامل تأییدی ($GFI=0/86, GFI=0/89$ و $CFI=0/60, NFI=0/93, RMSEA=0/06$)، ساختار عاملی آن پرسشنامه را تأیید کرد. پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ و برای خرده مقیاسها خوشبینی و تنظیم، هیجان، ارزیابی مهارت و کاربرد به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۵، ۰/۷۹، ۰/۸۱ محاسبه گردید.

پرسشنامه خلاقیت عابدی CT:

این مقیاس بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت و به وسیله عابدی (۱۳۶۳)؛ به نقل از دائمی و مقیمی بارفروش (۱۳۸۳) ساخته شده است پرسشنامه از ۶۰ آیتم سه گزینه ای تشکیل یافته است که شامل چهار خرده مقیاس، سیالی گسترش ابتکار و انعطاف پذیری است. دائمی و مقیمی بارفروش (۱۳۸۳) پایایی مقیاس را از طریق آزمون مجدد در دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر

تهران در چهار بخش سیالی ۰/۸۵، گسترش ۰/۸۰، ابتکار ۰/۸۲ و انعطاف پذیری ۰/۸۴ به دست آورد؛ و ضریب همسانی درونی را با استفاده از آلفای کرونباخ برای چهار خرده مقیاس روی ۲۲۷۰ دانش آموز اسپانیایی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آورد. ضریب پایایی کل محاسبه شده در پژوهش حاضر اعتبار آن به روش تحلیل عامل تأییدی مورد تأیید قرار دادند. مقدار شاخص kmo در آزمون کرویت بارتلت برابر ۰/۸۲ بود و همچنین مقدار شاخص X^2 در سطح شاخص آزمون کرویت برابر ۰/۸۶ و همچنین مقدار شاخص عددی معنادار بود که نشانگر کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای تحلیل عاملی است. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ماده ها روی عاملهای مربوط به خود بار معنادار داشته اند و همه ضرایب مسیر الگوهای عاملی از لحاظ آماری معنادارند ($p < 0/5$). به بیان دیگر، همگی بارهای عاملی بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۶ بودند در مجموع نتایج تحلیل عاملی تأییدی ساختار عاملی آن پرسشنامه را تأیید کرد. همچنین با بررسی پایایی این پرسش نامه در پژوهش حاضر مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس خلاقیت ۰/۸۸ و برای خرده مقیاسها به ترتیب، سیالی، گسترش ابتکار و انعطاف پذیری به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۵۸، ۰/۷۳، ۰/۶۵ است.

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر GSE

پرسشنامه مذکور توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است. این مقیاس شامل ۱۷ آیتم است که پیوستار پاسخ براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از دامنه کاملاً مخالفم نمره (۱) تا کاملاً موافقم نمره (۵) تنظیم شده است. شرر و همکاران (۱۹۸۲)، میزان آلفای کرونباخ را ۰/۷۶ و روایی آن را ۰/۷۲ گزارش کردند. این مقیاس در ایران توسط براتی (۱۳۷۵) ترجمه و اعتباریابی 2X شده است به نقل از پاشاشریفی و شریفی و تنگستانی، (۱۳۹۲). در پژوهش حاضر اعتبار آن به روش تحلیل عامل تأییدی مورد برابر ۰/۸۵ و همچنین مقدار شاخص عددی در آزمون کرویت بارتلت برابر ۰/۹۸ KMO برابر ۰/۸۵ تأیید قرار دادند مقدار شاخص بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ماده ها روی عاملهای مربوط به خود بار معنادار داشته اند و همه ضرایب مسیر الگوهای عاملی از لحاظ آماری معنی دارند.

یکی از رایج ترین پرسشنامه ها برای سنجش نیاز به پیشرفت است؛ که توسط هر منس در سال (۱۹۷۰) ساخته شده است. پایایی این آزمون را با روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ گزارش داده است. در پژوهش هرمنس (۱۹۷۰) برابر ۰/۹۱ و همچنین مقدار شاخص KMO حاضر اعتبار آن به روش تحلیل عامل تأییدی مورد تأیید قرار دادند. مقدار شاخص عددی در آزمون کروییت بارتلت برابر ۲۱۳/۱۹ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ماده ها روی عاملهای مربوط به خود بار معنادار داشته اند و همه ضرایب مسیر الگوهای عاملی از لحاظ آماری معنادارند

روش اجرا تحقیق

بدلیل اینکه من آموزگار پایه ششم در مدرسه ی مذکور بودم برای ورود به کلاس درس نیاز به هماهنگی نبود بااقدام به معرفی و آگاه کردن دانش آموزان از اهداف تحقیق و به منظور رعایت ملاحظه های اخلاقی و انسانی پرسشنامه ها به صورت یک بسته و بدون ذکر نام در بین آزمودنی ها توزیع شد و از آنان درخواست شد که به دقت به سوال های پرسشنامه ها پاسخ دهند در نهایت نتایج میانگین، انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه . پاسخ آنها به صورت داده های کمی مورد استفاده قرار گرفت شده است

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرهای مورد مطالعه

شاخص‌ها	M	SD	Min	Max	N
پیشرفت تحصیلی	۱۸,۳۷	۱,۴۶	۱۳,۵	۲۰	۳۰۸
انگیزش پیشرفت	۸۲,۷۹	۹,۰۷	۶۰	۱۰۵	۳۰۸
خودکارآمدی	۵۸,۵۲	۹,۷۱	۲۶	۷۸	۳۰۸
هوش هیجانی	۱۳۸,۰۴	۲۴,۸۹	۴۷	۱۸۰	۳۰۸
خلاقیت	۱۳۵,۶۸	۱۴,۰۶	۸۶	۱۷۲	۳۰۸

جدول ۲ نتایج همبستگی بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی، انگیزش پیشرفت، خودکارآمدی، هوش هیجانی و خلاقیت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱											
۲	۰/۳۵**	۱									
۳	۰/۲۵**	۰/۶۷**	۱								
۴	۰/۲۱**	۰/۵۰**	۰/۶۹**	۱							
۵	۰/۲۰**	۰/۵۹**	۰/۷۹**	۰/۷۸**	۱						
۶	۰/۱۷**	۰/۶۰**	۰/۸۲**	۰/۶۵**	۰/۷۶**	۱					
۷	۰/۲۴**	۰/۶۶**	۰/۹۳**	۰/۸۴**	۰/۹۱**	۰/۸۹**	۱				
۸	۰/۴۸**	۰/۳۱**	۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۰/۲۵**	۱			
۹	۰/۲۶**	۰/۲۴**	۰/۱۸**	۰/۲۷**	۰/۱۹**	۰/۲۳**	۰/۲۴**	۰/۵۲**	۱		
۱۰	۰/۴۵**	۰/۲۵**	۰/۱۸**	۰/۲۶**	۰/۱۷**	۰/۱۵**	۰/۲۱**	۰/۶۰**	۰/۶۶**	۱	
۱۱	۰/۵۱**	۰/۲۶**	۰/۱۴**	۰/۱۷**	۰/۱۱**	۰/۱۴**	۰/۱۶**	۰/۵۵**	۰/۴۹**	۰/۶۲**	۱
۱۲	۰/۵۲**	۰/۳۲**	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۲۰**	۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۸۴**	۰/۷۸**	۰/۸۷**	۰/۷۸**

$P < 0/01$ ** $P < 0/05$ *

نکته. ۱= انگیزه پیشرفت، ۲= خودکارآمدی، ۳= تنظیم هیجان، ۴= ارزیابی از هیجانات، ۵= مهارت‌های هیجانی، ۶= کاربرد هیجانات، ۷= هوش هیجانی، ۸= سیالی، ۹= گسترش، ۱۰= ابتکار، ۱۱= انعطاف‌پذیری، ۱۲= خلاقیت.

نتایج حاصل از بررسی پیش فرض‌های مدل نشان داد که در مفروضه بهنجاری چند متغیری، قدر مطلق ضریب چولگی کمتر از ۳ و ضریب کشیدگی کمتر از ۱۰ است که نشان دهنده بهنجاری بودن متغیرها است به عنوان مثال قدر مطلق ضریب چولگی و کشیدگی انگیزش پیشرفت، خودکارآمدی خوشبینی ارزیابی مهارت کاربرد هوش هیجانی سیالی، گسترش، ابتکار، انعطاف‌پذیری و ۱/۷۹، ۲/۵۴، ۱/۲۳-خلاقیت به ترتیب (۰/۱۵) و (۰/۶۶)، (۰/۵۳) و (۰/۵۰)، (۰/۸۴) و (۰/۵۰)، (۰/۲۰) و (۰/۴۰) و (۰/۳۸)،

مطالعه حاضر به تعیین رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با انگیزش پیشرفت با نقش میانجی خود کارآمدی می پردازد. یکی از یافته های پژوهش وجود رابطه معنادار بین هوش هیجانی و خودکارآمدی است نتایج بررسی همبستگی نشان داد که تمامی ابعاد هوش هیجانی (تنظیم هیجان ارزیابی هیجانات مهارتهای اجتماعی و کاربرد) هیجانات رابطه مثبت، مستقیم و معنادار با خودکارآمدی را دارد؛ نتایج پژوهش حاضر با پژوهشهای چان (۲۰۰۴) رانهی و راستوجی (۲۰۰۸)؛ مالیک و شوچا (۲۰۱۳)؛ حاجلو و عیوضی (۱۳۹۴)؛ همخوان است. افرادی که مهارت های هیجانی بالایی دارند از مهارتهای اجتماعی بهتری برخوردارند، روابط درازمدت و توانایی بیشتری در حل تعارضات دارند و همچنین این افراد توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل و استفاده از مهارتهای حل مسأله دارند که موجب افزایش توانایی های شناختی آنان میشود (گومورا و آرسنین، ۲۰۰۲) به عبارتی هوش هیجانی بالا این توانایی را به افراد می دهد که از دخالت عوامل نامطلوب درونی و بیرونی نظیر ناامیدی و خستگی، عوامل هیجانی منفی، فشارهای روانی اطرافیان و سایر عوامل مزاحم پیشگیری کنند. از یافته های دیگر پژوهش وجود رابطه معنادار بین خلاقیت و خودکارآمدی است. نتایج بررسی همبستگی حاکی از آن است که تمامی مؤلفه های خلاقیت، سیالی، بسط و گسترش، ابتکار و انعطاف پذیری همبستگی مثبت معناداری با خودکارآمدی دارند. نتایج یافته های پژوهش حاضر با پژوهش پاشاشریفی و همکاران (۱۳۹۲) همخوان است. ساختار خلاقیت متأثر از عوامل فردی و عوامل محیطی یا اجتماعی است که نقش تقویت کننده و تضعیف کننده خلاقیت دانش آموز را بر عهده دارند. دانش آموز در کنار عوامل درونی یا فردی از عوامل بیرونی تأثیر می پذیرد که محیط آموزشی نقش مؤثری را بر عهده دارد. برای پرورش خلاقیت در یک محیط آموزشی لازم است که تمامی ساختار آموزش در تقویت و ایجاد شرایط مساعد گام بردارند، از قبیل فراهم آوردن ابزار و امکانات آموزشی ایجاد جو صمیمی توأم با ارزش و احترام متقابل، توجه به استعدادها و توانایی ها در دانش آموزان در این چنین محیطی خودباوری و نگرش مثبت در دانش آموز تقویت می شود. بر این اساس میتوان چنین تبیین کرد هر اندازه دانش آموزان از خلاقیت بیشتری برخوردار باشند به همان اندازه از کارآمدی یافته دیگر مبنی بر وجود رابطه معنادار بین خودکارآمدی و توانایی بیشتری در مواجهه با مسائل تحصیلی برخوردار خواهند بود

انگیزه پیشرفت است. این تبیین را می توان با براننداس نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) و به استناد تحقیقات متعدد از جمله پژوهش های مالکا و کاوینگتون (۲۰۰۵)؛ والکر، گرین و مانسل ۲ (۲۰۰۶)؛ صالح صدق پور و عظیمی (۱۳۹۳) و علایی خرایم نریمانی و علایی خرایم (۱۳۹۱) که با یافته های پژوهش حاضر همخوان است توجیه کرد بندورا (۱۹۷۷) معتقد است اشخاصی که دارای خودکارآمدی بالا هستند بیش تر می کوشند بیشتر موفق می شوند و از کسانی که سطح خود کارآمدی آنها پایین است پشتکار بیشتری از خود نشان می دهند و ترس کمتری را تجربه می کنند. این گونه افراد، اهداف چالش برانگیزتر و بالاتری انتخاب می کنند و نسبت به آنها به طور پایداری متعهد هستند. به طور کلی هنگامی که افراد بر این باور باشند که قابلیت ها و توانایی های لازم برای انجام کار یا فعالیتی را دارند، برای انجام آن تکلیف کوشش و پافشاری بیشتری نشان می دهند و در نهایت به نتایج بهتری دست پیدا خواهند کرد یافته دیگر این پژوهش مبنی بر وجود رابطه غیر مستقیم معنادار هوش هیجانی با انگیزش پیشرفت از طریق خودکارآمدی است نتایج نشان داد تمامی مؤلفه های هوش هیجانی به صورت غیر مستقیم از طریق خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت رابطه دارد. بدین معنی که تمامی ویژگی های هوش هیجانی از طریق خودکارآمدی قادر به تبیین تغییرات در انگیزش پیشرفت است. نتایج پژوهش حاضر با یافته های پترایزد فریدریکسون و فارنهام (۲۰۰۴)؛ گومورا و آرسنن (۲۰۰۲) آگنولی و همکاران (۲۰۱۲) معتقد بود که هوش هیجانی قوی ترین پیش بینی کننده موفقیت فرد است. به عبارتی، قابلیت هیجانی اجتماعی دانش آموزان به طرق مختلف به بهبود عملکرد تحصیلی می انجامد؛ و دانش آموزانی که قادر به مواجهه ای هوشمندانه با هیجانات خود هستند، خویشتن دارترند، اعتماد به نفس بالایی دارند، در نتیجه برای یادگیری بیشتر تلاش می کنند؛ و برای رسیدن به هدف و انجام وظیفه هیجانات و تنیدگیهای خود را مهار می کنند (پترایزد و پامورو و در نهایت نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان داد یافته بین خلاقیت با انگیزش پیشرفت پریموزیچ فردریکسون و فورنهام، ۲۰۰۶) از طریق خودکارآمدی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد تمامی مؤلفه های خلاقیت به صورت غیر مستقیم از طریق خودکارآمدی با انگیزش پیشرفت رابطه دارد. نتایج یافته های پژوهش حاضر با پژوهش هانسن و لگراند (۲۰۱۲) همخوان است. این یافته ها حاکی از این است که هر اندازه دانش آموزان در فعالیتهای تحصیلی خود از خلاقیت بیشتری برخوردار باشند به همان میزان از پیشرفت و انگیزش بیشتری در انجام تکالیف برخوردار خواهند بود. هانسن و لگراند (۲۰۱۲) به این نتیجه دست یافتند که مدارس زمانی به بیشترین میزان موفقیت در انجام مأموریت آموزش و پرورش خود دست می یابند که تمام تلاشهای خود را به منظور افزایش یادگیری تحصیلی اجتماعی و هیجانی یکپارچه سازند و شعاع توجه خود را از قلمرو توانشهای شناختی تا حیطه صالحیتهای هیجانی اجتماعی و معنوی گسترش بخشند. مدارس می که مشوق خلاقیت هستند و به خلاقیت دانش آموزان خود بها می دهند و برای خلاقیت ارزش قائل هستند نسبت به مدارس که تمرکز عمده آنها بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان است دانش آموزان خلاقیت بیشتری از خود نشان می دهند به عبارتی خلاقیت به طور کلی به بهبود عملکرد تحصیلی می انجامد به این ترتیب با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود به منظور ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش آموزان لازم است فعالیتهای تقویت کننده ارائه شود تا دانش آموزان خود را فردی لایق و شایسته بدانند و همچنین داشتن تصویر شایسته از خود منجر به کارآمدی بالا و در انگیزه پیشرفت تحصیلی تأثیر گذار خواهد بود، بعلاوه پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی به شناسایی نیم رخ ها و جهت گیریهای انگیزشی دانش آموزان پرداخته شود و بر اساس آن، راهکارهای انگیزشی لازم ارائه گردد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی



است؛ بنابراین استنباط نتایج علی باید با احتیاط صورت گیرد. بر این اساس پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی این مطالعه در قالب طرح آزمایشی و مداخله ای مورد بررسی قرار گیرد و یافته های آن با نتایج مطالعه حاضر مقایسه گردد. از آنجا که نمونه مطالعه حاضر دانش آموزان بودند، در تعمیم نتایج لازم است جانب احتیاط را رعایت کرد همچنین استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها ابزار مورد بررسی متغیرهای این مطالعه موجب شد تا پژوهش حاضر تنها بر گزارشهای شخصی دانش آموزان استوار باشد، از این رو، احتمال می رود گزارشها با واسطه فقدان یا کمبود مقایسه های هنجاری احتمال سوگیری وجود داشته باشد؛ بنابراین پیشنهاد می شود پژوهش حاضر با گروه های دیگری از جمله گروههای سنی دیگر نیز تکرار گردد.

منابع

۱. سلطانی فر، عاطفه. (۱۳۸۶). هوش هیجانی. اصول بهداشت روانی، ۹(۳۶-۳۵)، ۸۳-۸۴.
SID. <https://sid.ir/paper/443639/fa>
۲. ریگی، صابر. (۱۴۰۱). تاثیر هوش هیجانی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه هشتم شهرستان خاش با میانجی گری خودکارآمدی تحصیلی. هشتمین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۳. البرزی شهلا، و، سیف دیبا (۱۳۸۲). بررسی رابطه باورهای انگیزشی راهبردهای یادگیری و برخی از عوامل جمعیتی با پیشرفت تحصیلی گروهی از دانشجویان علوم انسانی در درس آمار. مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز، ۳۷(۳)، ۷۳-۸۲.
۴. پاشا شریفی، حسن؛ شریفی نسترن و تنگستانی یلدا (۱۳۹۲) پیش بینی پیشرفت تحصیلی از روی خودکارآمدی، خود تنظیمی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۴)، ۱۵۷-۱

1. Agnoli, S., Mancini, G., Pozzoli, T., Baldaro, B., Russo, P. M., & Surcinelli, P. (2012). The interaction
2. between emotional intelligence and cognitive ability in predicting scholastic performance in schoolaged children. *Personality and Individual Differences*, 53(5)